

فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)
سال پنجم، شماره چهارم، (پیاپی ۱۹)، زمستان ۱۳۹۴
تاریخ وصول: ۹۳/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۳
صص: ۳۸-۱۷

بررسی تطبیقی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی عشایر اسکان‌یافته و اسکان نیافته

(مطالعه موردی: شهرستان کوهرنگ)

اصغر نوروزی^{۱*}، فرزاد محمودیان^۲

۱- استادیار گروه جغرافیا دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲- کارشناس ارشد جغرافیا دانشگاه پیام نور و کارشناس مسئول سازمان امور عشایر ایران

چکیده

هرچند نسبت جمعیت عشایر، کمتر از جمعیت شهر و روستا است؛ لیکن جامعه عشایری ایران به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی - اقتصادی، بخشی از ساختار تاریخی - سیاسی و فرهنگی و عضو فعال از پیکره جامعه ملی است و نقش آن به‌ویژه در تأمین مواد پروتئینی و سایر فرآورده‌های لبنی قابل توجه است. در سده اخیر تحولات وسیعی به لحاظ اسکان و تداوم کوچ، به تبعیت از سیاست‌ها و رویکردهای مختلف برای این جامعه ایجاد شده و موافقان و مخالفانی را با استدلال‌های متفاوت داشته است. با این وجود بررسی و مطالعه علمی در خصوص شرایط این جوامع، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی را در جهت توسعه پایدار آسان‌تر می‌نماید. در پژوهش حاضر که از نوع مطالعات توصیفی - تحلیلی است، سعی گردید به بررسی و مقایسه شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی در دو گروه جامعه اسکان‌یافته و اسکان نیافته عشایری پرداخته شود. روش تحقیق از نوع پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است. حجم نمونه از روش کوکران محاسبه (۲۶۰ نمونه) و روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی بوده است. داده‌های گردآوری شده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی شامل فراوانی، درصد و آزمون یومان ویتنی در محیط

نرم‌افزاری SPSS تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌های تحقیق بیانگر تفاوت قابل توجه بین دو گروه در شاخص‌های اجتماعی مانند مشارکت، آموزش، امنیت اجتماعی، بهداشت و درمان است؛ با این وجود به لحاظ شاخص‌های اقتصادی از جمله درآمد، مالکیت، اشتغال، میزان تولید و... تقریباً مشابه هم‌دیگر هستند و تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین دو گروه اسکان یافته و اسکان نیافته وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: عشایر اسکان یافته و اسکان نیافته، شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، شهرستان کوهرنگ.

طرح مسئله و مبانی نظری

از گذشته‌های دور سه شیوه معیشت (کوچندگی عشایر، روستانشینی و شهرنشینی) در سرزمین ایران وجود داشته است. گرچه نمی‌توان آغاز کوچندگی را در ایران معلوم کرد ولی به عقیده اکثر دانشمندان ایران پژوه، این شیوه، تاریخی به درازای تاریخ زندگی انسان در این سرزمین دارد (بخشنده نصرت و میراج، ۱۷، ۱۳۹۰). در طول این تاریخ، فراز و نشیب‌هایی در زندگی عشایر ایجاد گردید؛ اما تنها در سده اخیر برابر کل دوران زندگی کوچ‌نشینی، دستخوش تغییر و تحول شده‌اند.

بحران درزمینه زندگی عشایر و کوچ‌نشینان از زمان قاجار آغاز گردید و بزرگ‌ترین ضربه‌ها در دوره رضاخان وارد آمده است (امان‌اللهی، ۱۳۶۷، ۲۳۷). در دوران پهلوی اول با سیاست اسکان اجباری و دگرگونی سلسله‌مراتب سیاسی و مدیریتی و در دوران پهلوی دوم با نادیده گرفتن جامعه عشایری در برنامه‌های توسعه، به‌مرور نوعی مهاجرت و اسکان اجباری و در پی آن اختیاری را بر این جامعه تحمیل کرده است؛ پدیده‌ای که تمام جنبه‌های زندگی آن‌ها را متأثر نمود.

هرچند که با شروع انقلاب اسلامی و تغییر رویکردها به سمت توسعه، محرومیت‌زدایی، خدمات‌رسانی و برنامه‌های اسکان هدایتی و حمایتی و ایجاد تغییر در زندگی عشایر، نتایج مثبتی را به همراه داشته است؛ اما نتوانسته روند قبلی را کاملاً متوقف و یا ساماندهی نماید و توسعه پایدار را در این نوع از زندگی و معیشت تحقق بخشد.

تحلیل وضعیت توسعه‌ای جامعه عشایری در قالب مراحل اساسی (تکوین و انتظام، گسترش و شکوفایی، افول و فروپاشی) گامی برای تحقق هدایت آگاهانه و برنامه‌ریزی شده خانوارها، ارتقاء سطح بهره‌وری در زمینه‌های اجتماعی، بسط شیوه‌های نوین معیشتی و زیستی است (ابراهیم پور، ۱۳۷۸: ۶۷). از جمله راهبردهای برنامه‌ریزی توسعه جامعه عشایری، ساماندهی و اسکان عشایر بوده است که عمدتاً باهدف عمران و نیز خدمات‌رسانی بهتر به مناطق عشایری تکوین یافته است.

از آنجاکه مهم‌ترین وجه تمایز گروه اسکان یافته‌ها از اسکان نیافته‌ها، نظام اقتصادی و اجتماعی است؛ کنکاش‌های علمی و دقیق درباره ویژگی‌های زندگی آنان، می‌تواند از آسیب‌های اقتصادی - اجتماعی و نابسامانی‌های خانوارها تا حد زیادی جلوگیری به عمل آورد و با تکوین و گسترش شیوه‌های نوین زیرساخت‌ها در جامعه از گسیختگی و

ناموزونی اقتصادی و اجتماعی و گسترش حاشیه‌نشینی شهرها جلوگیری و شاخص‌های توسعه پایدار را در مورد کل جامعه مذکور تحقق بخشد. لذا هدف اصلی پژوهش حاضر نیز بررسی تطبیقی وضعیت فعلی عشایر اسکان‌یافته و اسکان نیافته از نظر شاخص‌های عمده اقتصادی و اجتماعی توسعه است.

از سوی دیگر امروزه جامعه عشایری کشور با ازهم‌پاشیدگی نظام ایلی، از بین رفتن ایل راه‌ها، پایین بودن سطح درآمدها، کمبود آب آشامیدنی انسان و دام، کمبود امکانات رفاهی، درمانی، بهداشتی، آموزشی و امنیتی و همچنین بالا رفتن هزینه‌های تولید، عدم اشتغال، ناسازگاری نسل جدید عشایر بازندگی کوچ‌نشینی و تمایل به زندگی یکجانشینی و ... مواجه است. بنابراین لازم است طی یک بررسی به آثار این تغییر و تحولات بخصوص آثار اجتماعی و اقتصادی آن پرداخته شود تا ضمن مشخص شدن معایب، بتوان به اجرای بهتر برنامه‌ها اقدام نمود.

سه استان به‌هم‌پیوسته فارس، چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد بیش از ۳۵ درصد از عشایر ایران را در خود جای داده‌اند (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۶)؛ استان چهارمحال و بختیاری دارای بیشترین روستاهای اسکان عشایری است و ساماندهی عشایر این استان تحت دو مقوله سازمان‌دهی عشایر اسکان نیافته و ساماندهی عشایر اسکان‌یافته در کانون‌های اسکان (حمایتی و هدایتی) مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که شهرستان کوهرنگ بیشترین آمار جمعیتی اسکان‌یافته و اسکان نیافته استان را دارد؛ در این شهرستان با وجود تلاش‌های فراوان در امر برنامه‌ریزی و ساماندهی جامعه عشایر اما شرایط مناسبی در کانون‌های اسکان وجود ندارد و وضعیت اسکان نیافته‌ها نیز نامناسب‌تر به نظر می‌رسد. لذا در این پژوهش به بررسی تفاوت‌های متغیرهای اقتصادی-اجتماعی در منطقه مذکور پرداخته می‌شود تا تفاوت‌ها نمایان‌تر و موفقیت نسبی احتمالی در این خصوص آشکارتر و در نتیجه برنامه‌ریزی برای آن‌ها میسر و سهل‌الوصول‌تر گردد. لذا پژوهشگران در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال اساسی هستند که آیا بین عشایر اسکان‌یافته و اسکان نیافته به لحاظ شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد؟

مبانی نظری پژوهش

«عشایر»^۱ که مفرد آن عشیره است، واژه‌ای است عربی به معنی برادران، قبیله، نزدیکان، اهل خانه و خویشاوندان (نیک خلق و عسگری، ۱۳۹۱: ۱۲) و در واقع به جماعتی از مردم اطلاق می‌گردد که دارای سازمان اجتماعی مبتنی بر گروه‌های خویشاوندی بوده و افراد آن ضمن تعلق به این سازمان، عموماً جایگاه خویش را در آن نیز می‌دانند. مرکز آمار ایران عشایر را با سه ویژگی ساخت اجتماعی قبیله‌ای، اتکای معاش به دامداری و شیوه زندگی شبانی مبتنی بر کوچ تعریف کرده است (سازمان امور عشایر: ۱۳۹۱، ۱). در تعریفی دیگر عشایر افرادی هستند که از ساختار ایلی قدرتمند، سرزمینی واحد و هویتی مشخص (که مورد قبول دیگران نیز است) برخوردارند (عاشقی، ۱۳۸۴: ۳). این جامعه را می‌توان از لحاظ اسکان به سه دسته تقسیم کرد: به عشایری که در تمام طول سال به اتفاق خانوار و دام کوچ می‌کنند «عشایر کوچنده» اطلاق می‌شود. «عشایر اسکان‌یافته» (یکجانشین) شیوه‌ای از زندگی است که هم‌اکنون

عده‌ای از عشایر در شهرها و روستاهای مختلف کشور به شکل کانون‌های هدایتی یا حمایتی آن را پذیرفته‌اند. «عشایر نیمه کوچنده» نیز به زندگی آن دسته از کوچندگان اطلاق می‌گردد که تمام سال را در بیلاق و قشلاق جابه‌جا نمی‌شود، یعنی بخشی از سال را در بیلاق و یا قشلاق ماندگار می‌شوند و در زیر سقف دائمی زندگی می‌کنند (صیدایی و دهقان، ۱۳۹۰: ۵۰).

کلمه «کوچ»^۱ در فرهنگ قاطع «از منزل و مقامی به منزل و مقام دیگر روانه شدن» آمده است (آقا محمدی و شرفی، ۱۳۹۰: ۳). در فرهنگ‌های معتبر فارسی از مفهوم کوچ تعبیر گوناگونی مانند رحلت، روانه شدن، انتقال، جلائی وطن، مهاجرت و انتقال ایل و لشکری از جایی به جای دیگر است (دهخدا، ۱۳۷۲: معین، ۱۳۶۴). مشیری در تعریف واژه کوچ می‌نویسد: «کوچ عبارت است از حرکت مداوم فصلی یا سالیانه بین دو محیط متفاوت آب‌وهوایی که با تغییرات طبیعی محیط به‌ویژه تغییرات اقلیمی و رویش گیاهی مطابق باشد» (مشیری، ۱۳۸۷: ۸). در تعریفی دیگر «جابجایی مرتب و دسته‌جمعی خانوارهای یک ایل همراه بادم‌ها از محلی به محل دیگر» آمده است (آقا محمدی و شرفی، ۱۳۹۰: ۵). حسینی ابری نیز کوچ‌نشینی را آن نوع زندگی و معیشت انسانی می‌داند که در آن انسان از طریق پرورش دام و برخورداری از فرآورده‌های کشاورزی معیشت می‌کند (حسینی ابری، ۱۳۷۳: ۶۲).

«اسکان» از مفاهیم دیگر در این پژوهش است که در فرهنگ دهخدا، به معنای آرام‌اندیدن و آرام کردن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۲). در متون دیگر به استقرار دائم و داوطلبانه خانوار به‌صورت هدایتی و حمایتی در یک محل تعریف شده است. از دیدگاه رشد، توسعه و تحول، اسکان عشایر کوچنده عبارت از تغییر رفتار اقتصادی و اجتماعی آنان به‌منظور بهبود کیفیت زندگی و بالا بردن سطح زندگی و گام‌گذاردن در مسیر تحول و پیشرفت دائمی است (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۶) که می‌تواند از لحاظ خواستگاه انگیزشی شامل اسکان اجباری یا دگرانگیزه و اسکان اختیاری یا خودانگیزه و از لحاظ برنامه‌ای به دو بخش اسکان بانگیزه سیاسی و اسکان بانگیزه توسعه‌ای و عمران تقسیم‌بندی شود (باقری، ۱۳۸۲: ۲۸-۲۶). «کانون اسکان» نیز به محدوده‌ای از زیست‌بوم اطلاق می‌گردد که به‌طور بالفعل یا بالقوه استعداد و امکانات برتری نسبت به مناطق دیگر زیست‌بوم برای توسعه زندگی عشایری را دارا باشد (سازمان امور عشایر، ۱۳۹۱، ۲).

در ادامه این مبحث و در خصوص دیدگاه‌ها و نظریه‌های مرتبط لازم به ذکر است که گروهی از نظریه‌پردازان اسکان عشایر را متناسب با مقتضیات فعلی و آتی جامعه عشایر می‌دانند؛ گروهی تداوم شیوه معیشت سنتی و گروهی با طرح موضوع رمة گردانی حالتی بینابین را مطرح می‌نمایند (صیدایی، ۱۳۷۷: ۱۴۲). عده‌ای از اندیشمندان که موافق با تداوم و استمرار کوچ‌نشینی‌اند، نگهداری بخش عمده‌ای از دام کشور توسط عشایر و نقشی که عشایر در زمینه تولید پروتئین کشور ایفا می‌کنند را بزرگ‌ترین دلیل بر اهمیت و تداوم این شکل از نظام معیشتی می‌دانند. علاوه بر این عشایر بزرگ‌ترین تولیدکننده دامدار کشور هستند و به دلیل استفاده از منابع تجدیدشونده، کمترین بار اقتصادی را نسبت به سایر بخش‌های تولیدی بر دولت تحمیل می‌کنند. لذا از دست دادن این قشر پرتلاش، ضربه‌ای بزرگ به دامداری کشور و منابع طبیعی تجدیدشونده خواهد زد. مخالفان با تداوم و استمرار کوچ‌نشینی معتقدند

امروزه کاهش تدریجی جمعیت کوچ‌نشین و تنگ‌تر شدن عرصه بر معیشت مبتنی بر دامداری سنتی از یکسو و طوفان تحولات عمیق و فراگیر جوامع بشری در زمینه‌های علمی، فرهنگی و ارتباطات از سوی دیگر، تداوم این نوع معیشت را بیش‌ازپیش غیرمنطقی، غیرانسانی و ناممکن ساخته است و بی‌تردید جامعه متحول امروز که از انفجار تولید، انقلاب اطلاعات و دنیای فرا صنعتی سخن می‌گوید، عضوی فلج و ناهمگون را در بلندمدت بر پیکر خود تحمل نخواهد کرد. پس استدلال می‌کنند که از نظر سیر تکاملی اجتماع، جماعت‌های عشایری در مرحله گذر به یکجانشینی هستند و باید با اقداماتی که منجر به اسکان می‌شود این دوره گذار و تبعات ناشی از آن را کوتاه‌تر و به حداقل رسانند. موافقان امر اسکان عشایر معتقدند از طرفی عشایر به عنوان عضوی از این جامعه به خدمات مختلف رفاهی در زمینه‌های گوناگون نیازمندند و از طرف دیگر عدم تعادل بین دام‌های عشایر با مراتع کشور، تخریب و فرسایش شدید منابع عظیم اصلی تولیدی کشور، یعنی آب‌و‌خاک را به دنبال دارد (صالحی، ۱۳۸۳: ۲۲).

به لحاظ دیدگاه‌های توسعه در سطح جهانی نیز با انقلاب صنعتی، دگرگونی‌های بنیادی در نقاط مختلف دنیا رخ داده است و با رهیافت‌های نظری متنوعی عملی گردید. یکی از این رهیافت‌ها «مکتب نوسازی» است. از طریق رضاخان که منادی مدرنیزه ساختن کشور بود، فرایند نوسازی در کشور با رویکرد «نوسازی برون‌زا» و یا «از بالا» انجام پذیرفت (میر فردی و امان‌اللهی، ۱۳۸۳: ۱۶۳). در دیدگاه نوسازی، مهم‌ترین ویژگی حرکت از سادگی و رسیدن به پیچیدگی است (ریاحی همکاران، ۱۳۹۲: ۹۸). بر این اساس تلاش در جهت اسکان عشایر از آنجایی که آن‌ها را به سمت زندگی یکجانشینی ترغیب می‌نماید، اقدامی در جهت توسعه این جامعه تلقی می‌گردید (توکلی، ۱۳۸۳: ۴۴۴). این دیدگاه بیش از هر دیدگاه دیگری بر اسکان عشایر کشور تأثیر گذاشته و همواره از زمان پهلوی اول تاکنون با شدت و ضعف بدان توجه شده است (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶ و رضایی، ۱۳۹۱: ۱۲). «مکتب وابستگی» که پایه‌های آن در جهان سوم قرار داشت، بر عوامل بیرونی توسعه‌نیافتگی نظیر استعمار و وابستگی سیاسی، اقتصادی به کشورهای مرکز تأکید می‌کرد. رویکرد صاحب‌نظران این مکتب نیز در قبال توسعه عشایر علیرغم تفاوت‌های مبنایی و ایدئولوژیک، گرایش به اسکان بوده است. چراکه از دید تفکرات نئومارکسیستی جوامع کوچنده امکان کنترل، برنامه‌ریزی متمرکز و بسیج همه نیروهای داخلی را در جهت توسعه ملی فراهم نمی‌آورند. لذا بر اساس راهبردهای مورد تأکید این مکتب به‌ویژه راهبرد تأمین نیازهای اساسی، خدمات‌رسانی به آن‌ها را به‌عنوان یکی از اقشار محروم جامعه در شرایط کوچ غیرعملی می‌دانستند. راهبرد زیست‌محیطی نیز بر نقش عشایر در تخریب مراتع و تشدید فرسایش اراضی مرتعی تأکید نموده و اسکان آن‌ها را به‌عنوان راه چاره‌ای پیشنهاد می‌کند (توکلی، ۱۳۸۳: ۴۴۸). مقایسه دیدگاه‌ها و مأموریت سازمان متولی توسعه عشایر طی دوران معاصر نشان‌دهنده دست‌کم چهار گرایش عمده در برخورد با نیازهای جامعه عشایری است:

- ۱- دیدگاه عمرانی و خدماتی (افزایش دسترسی عشایر به امکانات رفاهی و تسهیلات نوین زندگی)؛
- ۲- دیدگاه حفاظتی (تأکید بر حفظ منابع طبیعی و محدود نمودن حیطه تأثیرگذاری و بهره‌برداری از منابع)؛
- ۳- دیدگاه اقتصادی و تولیدی (ارائه خدمات و تسهیلات، جهت افزایش تولید و راندمان تولیدات دامی)؛

۴- دیدگاه برنامه‌ریزی و کنترل (تخصیص منابع و تسهیلات، بر اساس اولویت‌های ملی و تحلیل هزینه-فایده)؛ این دیدگاه‌ها بیشتر متأثر از ویژگی‌های عمومی و حاکم بر نظام برنامه‌ریزی و مدیریت کشور در نیم‌قرن اخیر بوده که بر اساس اصول رهیافت برنامه‌ریزی متمرکز با منطق بخشی و از بالا به پائین استوار بوده است (عمادی، ۱۳۸۴: ۶۴۸).

رهیافت «توسعه پایدار» نیز در زمینه توسعه و ساماندهی عشایر، بیانگر این مطلب است که شیوه تولید عشایری که دارای فرم‌بندی اجتماعی خاص خود است- نباید به‌سادگی و بدون ارتباط با فرم اجتماعی، بومی- محلی آن دست‌کاری شود. در این رویکرد، جامعه عشایری به‌رغم نیاز به توسعه و آگاهی و دانش، نباید به معنای اسکان، روستانشین کردن و یا شهرنشین کردن آنان تفسیر شود. توسعه و ساماندهی عشایر باید متضمن چند نکته باشد که عبارت‌اند از ملاحظات اکولوژیکی، ملاحظات دانش محلی، ملاحظات نهادی، ملاحظات اجتماعی و مشارکتی، ملاحظات جنسیتی ملاحظات اقتصادی و دست‌کاری نکردن شیوه تولید عشایری (محمد پور و احمدی، ۱۳۸۴: ۳۰۱). انطباق زمانی این رویکرد در ایران از برنامه‌های سوم و چهارم توسعه شروع و تداوم یافته است (رضایی، ۱۳۹۱: ۱۲).

با عنایت به مباحث ذکر شده، به‌طور کلی دیدگاه‌های متفکران و پژوهشگران ایرانی را در چند قالب می‌توان مطرح نمود: استراتژی توسعه منطقه عشایری بر اساس دآمداری (مجموع‌های دآمداری)؛ استراتژی توسعه منطقه عشایری بر پایه کشاورزی؛ استراتژی توسعه منطقه عشایری بر پایه صنعت؛ استراتژی توسعه منطقه عشایری با ساماندهی مناسب برای تداوم کوچ‌نشینی در قلمروهای ایلی که توانمندی‌های برجسته طبیعی داشته باشند؛ استراتژی توسعه منطقه عشایری بر پایه توریسم و استراتژی توسعه منطقه عشایری بر پایه تجارت و خدمات (صیدایی، ۱۳۸۶: ۴۷). در پایان بیان این نکته ضروری است که پژوهش حاضر بر اسکان اختیاری جامعه عشایری همراه با برنامه‌ریزی حفظ اقتصاد دآمداری- دام‌پروری و در چارچوب اصول توسعه پایدار تأکید دارد. به‌طوری‌که هم از توانمندی‌های عشایر استفاده و هم در بحث خدمات‌رسانی و حفاظت از منابع طبیعی اقدام شود. بنابراین دیدگاهی بینابین و ترکیبی از استراتژی‌های مطرح شده، متناسب با توانمندی‌های محیط طبیعی و انسانی محلی مدنظر است.

پیشینه پژوهش

هرچند تا زمان تدوین پژوهش حاضر پیشینه مطالعاتی کاربردی مشابه و به‌ویژه در مورد منطقه مورد مطالعه مشاهده نشده است، اما مهم‌ترین نمونه‌های نزدیک به این موضوع در دو گروه مطالعات داخلی و خارجی به شرح جدول ۱ است.

جدول - ۱: مطالعات انجام گرفته داخلی و خارجی در مورد موضوع مورد مطالعه

پژوهشگر	سال	عنوان پژوهش	نتیجه		
مطالعات داخلی	ریاحی و همکاران	۱۳۹۲	بررسی نقش طرح‌های اسکان در توسعه اقتصادی و اجتماعی عشایر کانون‌های اسکان کهگیلویه و بویراحمد	تأثیر مثبت اسکان بر وضعیت اجتماعی و تأثیر منفی در سطح تولید محصولات کشاورزی و دامی	
	توکلی و ضیاءتوانا	۱۳۸۸	پیامدهای فضایی اسکان عشایر در استان چهارمحال و بختیاری	کاهش شدید دام، افزایش بیکاری و گرایش به مهاجرت دائمی	
	شاطریان و همکاران	۱۳۹۱	واکاوی اثرات اقتصادی-اجتماعی اسکان خودجوش عشایر بخش دهدز شهرستان ایذه	ایجاد تحولات مطلوب در زمینه آموزش، سواد، بهداشت و افزایش درآمد و پس‌انداز	
	کفیل زاده و همکاران	۱۳۸۱	اقتصاد تولید بخش دامداری عشایر کوچنده و اسکان یافته، مطالعه موردی: ایل کرد	اسکان، بهره‌برداری از دام را ضعیف و کمبود زمین‌های کشاورزی و بحران را به حداکثر رسانده است.	
	صادقی و همکاران	۱۳۸۴	مطالعه وضعیت شاخص‌های بهداشت و سلامت در عشایر استان اردبیل	نامناسب بودن شاخص‌های بهداشتی به استثنای واکسیناسیون	
	منصوری	۱۳۸۱	بررسی مقایسه‌ای زمینه‌های اقتصادی تولید در گروه عشایری و گرایش آنان به تغییر و تحول در شیوه تولید عشایری ایل جلالی	بنیان ضعیف اقتصادی عشایر کوچ رو و نیاز به دگرگونی در شیوه تولید فعلی عشایر و حفظ شرایط کوچ روی با توجه به انسجام جامعه.	
	عبداللهی	۱۳۸۶	اسکان عشایر و توسعه حیات اجتماعی آنان در ایران (طایفه وری علی نظر در استان ایلام)	مقدور نبودن توسعه و بهبود زندگی عشایری و لزوم اسکان برنامه‌ریزی شده	
	رضوانی و دریکوند	۱۳۸۶	بررسی و ارزیابی کانون‌های ساماندهی و اسکان عشایر مطالعه موردی: شهرستان ازنا	بهبود وضع خدمات، زراعت و باغداری و کاهش مهاجرت و عدم موفقیت در زمینه‌های دامداری، اشتغال، درآمد و مشارکت	
	باقری	۱۳۸۲	تعیین آثار اسکان بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی عشایر اسکان یافته در روستای عشایری کوله جاز (شوشتر)	کاهش بعد خانوار، کاهش بی‌سوادی، کاهش تعداد دام، درآمد و اشتغال و نیز افزایش نقش‌های خدماتی و کشاورزی، بهبود دسترسی به مراکز بهداشتی و آموزشی	
	حاجتی	۱۳۷۱	بررسی آثار اقتصادی-اجتماعی رمه گردانی و اسکان در زندگی عشایر کوچنده ایل قشقایی استان فارس	احساس بیگانگی، بالا رفتن سن ازدواج، تعارض بین والدین و فرزندان و افزایش جرائم	
	حسینی ابری	۱۳۷۳	مروری بر منطقه کوه‌رنگ در رابطه با اسکان عشایر	منطقه دارای توان‌های محیطی است، اما اسکان عشایر با شکست مواجه خواهد شد.	
	مطالعات خارجی	لارسن و همکاران ^۱	۲۰۰۳	تجربه اسکان عشایر در کنیا	در زمان وقوع خشک‌سالی، سوء تغذیه کودکان اسکان یافته تقریباً سه برابر بیش از کودکان عشایری و کوچنده است و اسکان تجربه موفق نبوده است.
		خوگالی ^۲	۲۰۰۱	طرح توسعه گاش در اسکان عشایر سودان	استقبال کم عشایر بخاطر درآمد خیلی کم محصول پنبه نسبت به درآمد پرورش دام در شرایط کوچ نشینی
واسا ^۳		۲۰۰۱	تجربه اسکان در نیجریه و اتیوپی	ایجاد تفاوت و شکاف در شیوه‌های تربیتی و سنتی و بی‌ارزش نگاشتن فرهنگ بومی - پیشنهاد تداوم کوچ	
استینمن ^۴ به نقل از توکلی، ۱۳۸۳		۱۹۷۶	اسکان در سوریه	کاهش نقش زنان در اقتصاد خانوار، تشدید و تعمیق شکاف و نابرابری جنسیتی در دسترسی به منابع درآمد و اثر منفی بر ابعاد مختلف اسکان یافته‌ها	

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۳

1 - Larsen, K. et al
 2 - Khogali, M
 3 - Vassa, S
 4 - Steinmann

آنچه از پیشینه‌های فوق‌الذکر قابل توجه است اینکه اسکان عشایر بر زندگی و شرایط اقتصادی و اجتماعی آنان تأثیر داشته است. در برخی پژوهش‌ها تأثیر مثبت در هر دو بعد اقتصادی و اجتماعی تأیید و برخی نیز بر اثرات منفی در بعد اقتصادی و یا اجتماعی اسکان‌یافته‌ها اشاره دارند؛ اما غالب پژوهش‌ها تأثیر مثبت بر بعد اجتماعی و منفی (یا بدون تأثیر) بر بعد اقتصادی را نشان می‌دهند، نتایج پژوهش حاضر نیز به نتیجه مذکور نزدیک‌تر است. با این وجود تفاوت در شرایط محلی و اسکان و سایر عوامل می‌تواند نتایج متفاوتی ارائه دهد.

سؤال‌ها و فرضیه‌ها

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به دو سؤال اساسی به شرح زیر است.

- ۱- آیا بین عشایر اسکان‌یافته و اسکان نیافته به لحاظ شاخص‌های اقتصادی تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۲- آیا بین عشایر اسکان‌یافته و اسکان نیافته به لحاظ شاخص‌های اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد؟

بر این اساس دو فرضیه به شرح زیر قابل‌ارائه است:

- تفاوت معناداری در برخورداری از شاخص‌های اقتصادی بین دو جامعه عشایری اسکان‌یافته و اسکان نیافته وجود دارد.

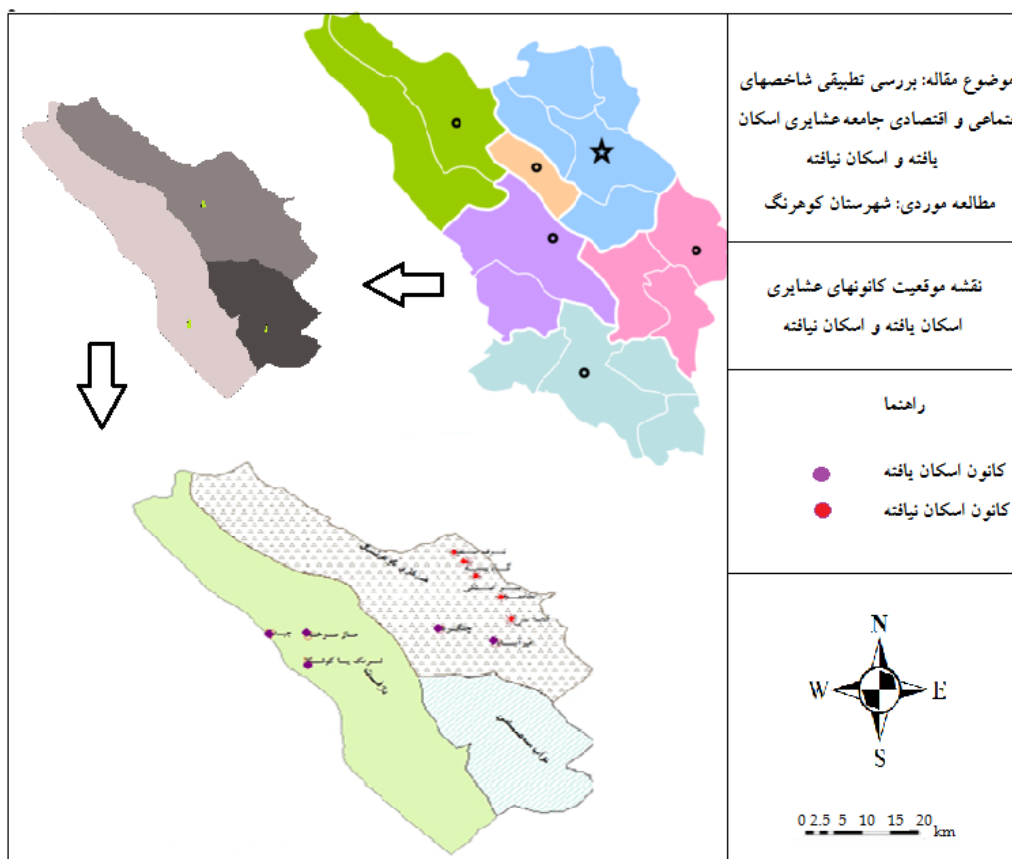
- تفاوت معناداری در برخورداری از شاخص‌های اجتماعی بین دو جامعه عشایری اسکان‌یافته و اسکان نیافته وجود دارد.

محدوده و قلمرو پژوهش

شهرستان کوه‌رنگ یکی از شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری است که در ۲۹ دقیقه و ۴۹ درجه تا ۲۶ دقیقه و ۵۰ درجه طول شرقی و ۵۹ دقیقه و ۳۱ درجه تا ۴۹ دقیقه و ۳۲ درجه عرض شمالی و در ارتفاع ۲۲۸۵ متری از سطح دریا واقع است. شهرستان کوه‌رنگ از شمال به استان‌های اصفهان و لرستان، از جنوب به شهرستان فارس، از غرب به استان خوزستان و از شرق به استان اصفهان محدود می‌شود (شکل ۱).

چلگرد مرکز شهرستان و در فاصله ۸۵ کیلومتری شمال غربی شهرکرد قرار دارد. مساحت شهرستان ۳۷۹۵/۷ کیلومترمربع است که ۲۳/۱ درصد مساحت استان را شامل می‌شود و از ۳ بخش (مرکزی، بازفت، دوآب صمصامی) و ۱ شهر (چلگرد) و ۷ دهستان (شوراب تنگزی، دشت زری، میانکوه موگوئی، بازفت بالا و بازفت پائین، دوآب و شهریاری) با اقوام بختیاری در قالب ۳ طایفه، ۳۰ زیر طایفه، ۲۰ تیره و ۱۹۴۰ تش تشکیل شده است. با توجه به جمعیت عشایر استان که ۹۰۰۱۴ نفر در بیلاق و ۳۶۰۲۵ نفر در قشلاق به سر می‌برند، می‌توان گفت بیشترین جمعیت عشایر بیلاقی مربوط به شهرستان کوه‌رنگ با ۴۲۳۰۱ نفر (۶۷۷۰ خانوار) است (اداره امور عشایر استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۰: ۵۶).

شهرستان کوه‌رنگ دارای بیشترین روستاهای اسکان عشایری است و در طول تاریخ اسکان عشایر فرازوفرودهایی را تجربه کرده است. به طوری که هم در برنامه‌های اسکان در قیل از انقلاب (اجباری) و هم در برنامه‌های توسعه‌ای بعد از انقلاب اسلامی، به صورت کانون‌های حمایتی و هدایتی تحولاتی را داشته است.



شکل - ۱: موقعیت کانون‌های مورد مطالعه در شهرستان کوهرنگ و موقعیت شهرستان در استان چهارمحال و بختیاری

داده‌ها و روش‌ها

این پژوهش از نوع مطالعات کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر پیمایش است. جهت گردآوری اطلاعات از شیوه میدانی - کتابخانه‌ای (اسنادی) استفاده گردید. در بخش میدانی به تکمیل پرسشنامه محقق ساخته که به وسیله دو گروه جامعه عشایری اسکان یافته و اسکان نیافته در شهرستان کوهرنگ تکمیل شده است، اقدام گردید. در مطالعات کتابخانه‌ای نیز با فیش برداری از کتب، مجلات و اسناد و منابع الکترونیکی، مباحث نظری و پیشینه پژوهش تدوین گردید. جهت امتیازدهی و ارزش گذاری کمی سؤالات پرسشنامه از طیف لیکرت و برای تجزیه و تحلیل از نرم افزار Spss و آزمون یومان ویتنی استفاده شده است.

برای سنجش روایی پرسشنامه از نظر اساتید و کارشناسان مرتبط استفاده و پایایی پرسشنامه با کاربرد آزمون آلفای کرونباخ از تعداد ۶۹ سؤال تخصصی پرسشنامه، مقدار ۰/۸۱۹. به دست آمده است که می‌توان گفت ابزار اندازه گیری از اعتبار لازم برخوردار است.

جدول - ۲: برآورد پایایی پرسشنامه در نرم افزار تحلیل آماری SPSS

آلفای کرونباخ	تعداد آیتم‌ها
---------------	---------------

تعداد آیت‌ها	آلفای کرونیباخ
۶۹	۰/۸۱۹

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

جامعه آماری این پژوهش عشایر بختیاری در شهرستان کوهرنگ می‌باشند که بر اساس نتایج سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده کشور در سال ۱۳۸۷ رقمی معادل ۶۷۷۰ خانوار بوده است. از ۳۶ کانون (خودجوش و هدایتی) در شهرستان، تعداد ۵ کانون هدایتی (۱ کانون در بخش مرکزی و ۱ کانون در دشت زرین و ۳ کانون در بخش بازفت) و از بین عشایر اسکان نیافته (کوچ رو) ۵ منطقه به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب (جدول ۳ و شکل ۱) و سپس از بین مناطق عشایری انتخاب شده اعم از اسکان نیافته و اسکان یافته بر اساس کل جمعیت خانوار با استفاده از فرمول کوکران تعداد نمونه تعیین شده است.

$$n = \frac{(N \times t2 \times p \times q)}{(N \times d2 + t2 \times p \times q)} = \frac{(800 \times 3/84 \times 0/05 \times 0/05)}{(800 \times 0/025 + 3/84 \times 0/05 \times 0/05)} = 260$$

جدول - ۳: تعداد و نحوه توزیع پرسشنامه‌ها در مکان‌های نمونه

ردیف	کانون عشایری اسکان یافته				عشایری اسکان نیافته			
	شهرستان	کانون اسکان	جامعه آماری (خانوار)	حجم نمونه	بیلاق و قشلاق عشایر اسکان نیافته (استان)	بیلاق (کوهرنگ)	جامعه آماری (خانوار)	حجم نمونه
۱	کوهرنگ	چلگرد (مرکزی)	۱۵۰	۴۹	دیراب، گچ خلیج	بنو استکی	۱۵۰	۴۹
۲	کوهرنگ	امیرآباد (دشت زرین)	۶۰	۲۰	مسجد سلیمان، ایذه	توف سفید	۵۰	۱۶
۳	کوهرنگ	چبد (بازفت)	۶۰	۲۰	شلال (حوض)	قلعه مرغ (سرمور، راکه)	۳۰	۱۰
۴	کوهرنگ	شرمک (بازفت)	۱۰۰	۳۲	شلال، مسجد سلیمان	آبکاسه	۵۰	۱۶
۵	کوهرنگ	مازه سوخته (بازفت)	۱۰۰	۳۲	جلکان شوشتر	گاو پیسه	۵۰	۱۶
			۴۷۰	۱۵۳	جمع کل		۳۳۰	۱۰۷

منبع: اداره کل امور عشایر استان، ۱۳۹۰ و محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۳

شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل تحقیق، اسکان یافتگی و اسکان نیافتگی است. متغیر وابسته که از عامل اسکان یافتگی و نیافتگی تأثیر می‌پذیرد، شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی (شامل مواردی که در مطالعات علمی و پژوهشی بیشترین کاربرد را داشته و جنبه عمومی تری دارند) است که به همراه گویه‌های آن‌ها در جدول ۴ ارائه شده‌اند.

جدول - ۴: شاخص و متغیرهای تحقیق در دو بعد اجتماعی و اقتصادی

بعد	شاخص	معرف‌ها
اقتصادی	درآمد	میزان قدرت خرید، میزان پس‌انداز، سطح فقر
	مالکیت	میزان و نوع مالکیت (زمین، دام، مسکن، خودرو و ...)
	اشتغال	اشتغال زنان، فرصت‌های شغلی، میزان بیکاری
	تولید	تولیدات دامی، صنایع دستی و زراعی، سودآوری تولیدات، میزان تولیدات سنتی
اجتماعی	مشارکت	میزان فعالیت زنان، همکاری و تعاون، مسئولیت‌پذیری و مشارکت در امور مختلف
	بهداشت و سلامت	مرگ‌ومیر زنان و کودکان، امید به زندگی، دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی
	آموزش	میزان سواد، دسترسی به مدارس و مراکز فرهنگی، برگزاری کلاس‌های آموزشی
	امنیت	انسجام اجتماعی، تفریح سالم، دسترسی به پاسگاه انتظامی و شورای حل اختلاف، امنیت عمومی، درگیری‌ها

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۳

نتایج و بحث

الف) نتایج توصیفی پژوهش

- نتایج توصیفی نشان داد که به لحاظ جنسیت از ۱۵۳ نفر پاسخگوی عشایر اسکان‌یافته تعداد ۱۲۶ نفر (۸۲/۴٪) را مردان و تعداد ۲۷ نفر (۱۷/۶٪) را زنان تشکیل داده‌اند که در بین عشایر اسکان نیافته این ویژگی ۸۴ نفر (۷۸/۵٪) مرد و ۲۳ نفر (۲۱/۵٪) را زنان تشکیل داده‌اند. همچنین نتایج نشان داد که به لحاظ سن، بالاترین میزان در گروه ۴۵-۳۶ است. توزیع وضعیت پاسخگویان در دو گروه مورد مطالعه به لحاظ سنی به شرح جدول ۵ است.

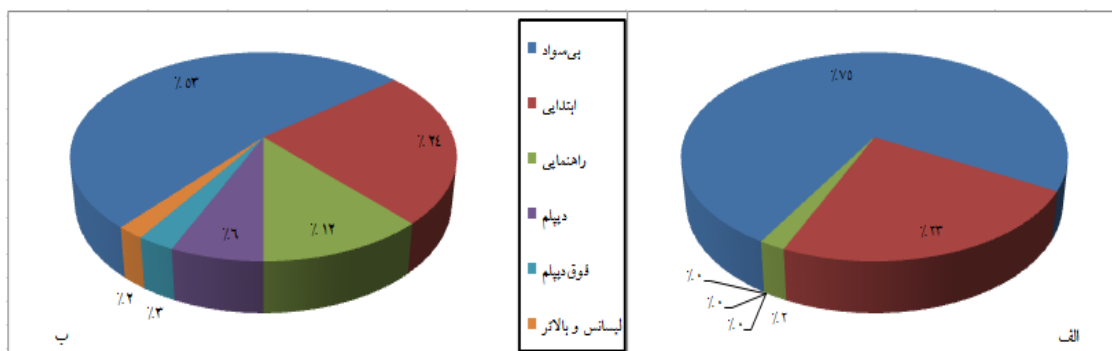
- همچنین نتایج توصیفی نشان داد که به لحاظ وضعیت تأهل در هر دو گروه مورد مطالعه، گزینه تأهل بالاترین درصد را نشان می‌دهد. به طوری که در بین اسکان نیافته‌ها ۱۰۰٪ و در بین اسکان‌یافته‌ها ۸۷/۶٪ بوده است.

- نتایج توصیفی تحقیق در خصوص میزان تحصیلات در شکل ۲ در دو گروه اسکان نیافته و اسکان‌یافته ارائه شده است. همچنان که مشخص است بالاترین میزان مربوط به بی‌سوادی است که در گروه اسکان‌یافته ۵۳٪ و در گروه اسکان نیافته ۷۵٪ را نشان می‌دهد. بر اساس این نمودارها تفاوت بین شاخص بی‌سوادی در دو گروه کاملاً مشخص و می‌تواند از اثرات اسکان نیز باشد.

جدول ۵- درصد و فراوانی رده سنی پاسخگویان

گروه	رده سنی	فراوانی	درصد
اسکان یافته	۱۵-۲۵	۱۶	۱۰/۵
	۲۶-۳۵	۲۵	۱۶/۳
	۳۶-۴۵	۴۰	۲۶/۱
	۴۶-۵۵	۲۶	۱۷

۱۹	۲۹	۵۶-۶۵	اسکان نیافته
۱۱/۱	۱۷	+۶۶ -۶۶	
۰	۰	۱۵-۲۵	
۷/۵	۸	۲۶-۳۵	
۳۵/۵	۳۸	۳۶-۴۵	
۴۳/۹	۴۷	۴۶-۵۵	
۸/۴	۹	۵۶-۶۵	
۲/۸	۳	+۶۶ -۶۶	
۱/۹	۲	بی پاسخ	



شکل - ۲: نمودار وضعیت تحصیلی پاسخگویان در دو گروه اسکان نیافته (الف) و اسکان یافته (ب)

- به لحاظ وضعیت شغلی، در بین اسکان یافته‌ها بالاترین میزان به ترتیب مربوط به کشاورزی و سپس دامداری است. در حالی که در بین اسکان نیافته‌ها رقم ۹۸/۱٪ مربوط به دامداری است. این اعداد تغییر در شیوه اشتغال و حتی رقم بالای بیکاری و مشاغل غیرمولد در بین اسکان یافتگان را نمایان می‌سازد.

جدول - ۶: درصد و فراوانی شغل پاسخگویان

درصد	فراوانی	شغل	اسکان یافته
۳۱/۱	۲۰	غیر شاغل	
۲۶/۱	۴۰	دامدار	
۲۷/۵	۴۲	کشاورز	
۱۲/۴	۱۹	کارگر	

۲	۳	دولتی	
۲/۶	۴	دانشجو	
۶/۵	۱۰	کار در خانه	
۹/۸	۱۵	سایر	
۹۸/۱	۱۰۵	دامدار	اسکان نیافته
۰/۹	۱	دانشجو	
۰/۹	۱	سرباز	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

- به لحاظ وضعیت مالکیت، در بین اسکان نیافته‌ها، دام مهم‌ترین گزینه بوده است. در حالی که در بین اسکان‌یافته‌ها مسکن، زمین کشاورزی و دام بالاترین درصدها را شامل می‌شود (جدول ۷). نکته قابل توجه وجود گزینه همه موارد است که در گروه اسکان‌یافته عدد ۳۲٪ که بالاترین میزان است را نشان می‌دهد. هرچند وجود تمام جنبه‌های مالکیت هم نتوانسته وضعیت اقتصادی آن‌ها را با تفاوت زیاد تغییر دهد.

جدول-۷: درصد و فراوانی وضعیت مالکیت پاسخگویان

درصد	فراوانی	میزان مالکیت	
۲۷/۵	۴۲	مسکن	اسکان یافته
۱۸/۳	۲۸	زمین کشاورزی	
۱۵/۷	۲۴	دام	
۶/۵	۱۰	خودرو	
۳۲	۴۹	همه	
۰	۰	مسکن	اسکان نیافته
۹	۱	زمین کشاورزی	
۰	۰	خودرو	
۹۸/۱	۱۰۵	دام	
۹	۱	همه	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

- یافته‌های توصیفی به لحاظ منبع اصلی و میزان درآمد نشان داد که در بین اسکان نیافته‌ها ۱۰۰٪ افراد دامداری و دام‌پروری را ذکر کرده‌اند. در حالی که در بین اسکان‌یافته‌ها بالاترین رقم با ۳۷/۳٪ مربوط به کشاورزی و سپس دامداری (۲۶/۱٪)، کارگری (۱۰/۵٪)، صنایع دستی (۲/۶٪) و مابقی سایر موارد است. در مورد میزان درآمد نیز در گروه اسکان نیافته‌ها، متوسط میزان درآمد خانوار (۱۰۰٪) کمتر از پانصد هزار تومان بیان شده است. این موضوع در ارتباط با اسکان‌یافته‌ها متفاوت بوده و هرچند ۶۴/۱٪ همین میزان را ذکر کرده‌اند؛ اما ۲۸/۳٪ بیش از پانصد هزار

تومان تا یک میلیون و حدود ۷٪ نیز بین ۱/۵-۱ میلیون تومان ذکر کرده‌اند (لازم به ذکر است که به علت طولانی شدن متن از ارائه تمامی جداول خودداری گردید).

- در خصوص میزان بهره‌مندی از خدمات مختلف، یافته‌های توصیفی نشان داد که خدمات آموزشی و برخی موارد که پوشش سراسری و کشوری دارد (صداوسیما و ...) وضعیت هر دو گروه تقریباً مشابه است. در حالی که در زمینه برخورداری از خدمات بهداشتی-درمانی، ارتباطی، حمل و نقل، پست و مخابرات و انتظامی (به جز بسیج که هر دو گروه تقریباً مشابه بوده است) وضعیت گروه اسکان یافته بسیار بهتر بوده است (جدول ۸). بنابراین این مورد نیز قابل تأمل است که اسکان عشایر در برخورداری آن‌ها از امکانات و خدمات و زیرساخت‌های مختلف نقش اساسی را داشته است. بعلاوه خدمات‌رسانی آسان‌تر از طرف نهادهای ذی‌ربط را نیز آشکار می‌سازد. لذا بهره‌مندی از خدمات در شرایط اجتماعی و بهبود آن نقش تعیین‌کننده داشته و در تفاوت بین دو گروه مؤثر است.

جدول - ۸: میزان بهره‌مندی عشایر از خدمات

نوع خدمات	گروه	جواب	فراوانی	درصد
آموزش قبل از دبستان	اسکان یافته	بله	۱۳۹	۹۰/۸
	اسکان یافته	خیر	۱۴	۹/۲
	اسکان نیافته	بله	۹۶	۸۹/۷
	اسکان نیافته	خیر	۱۱	۱۰/۳
مدرسه ابتدایی	اسکان یافته	بله	۱۵۳	۱۰۰
	اسکان یافته	خیر	۰	۰
	اسکان نیافته	بله	۱۰۶	۹۹/۱
	اسکان نیافته	خیر	۱	۰/۹
مدرسه راهنمایی	اسکان یافته	بله	۱۵۱	۹۸/۷
	اسکان یافته	خیر	۲	۱/۳
	اسکان نیافته	بله	۱۰۵	۹۸/۱
	اسکان نیافته	خیر	۲	۱/۹
دبیرستان	اسکان یافته	بله	۱۵۱	۹۸/۷
	اسکان یافته	خیر	۲	۱/۳
	اسکان نیافته	بله	۱۰۵	۹۸/۱
	اسکان نیافته	خیر	۲	۱/۹
نهیض سوادآموزی	اسکان یافته	بله	۱۳۷	۸۹/۵
	اسکان یافته	خیر	۱۶	۱۰/۵
	اسکان نیافته	بله	۹۶	۸۹/۷
	اسکان نیافته	خیر	۱۱	۱۰/۳
هنرستان فنی و حرفه‌ای	اسکان یافته	بله	۶۰	۳۹/۲
	اسکان یافته	خیر	۹۳	۶۰/۸
	اسکان نیافته	بله	۰	۰
	اسکان نیافته	خیر	۱۰۷	۱۰۰

مرکز خدمات بهداشتی	اسکان یافته	بله	خیر
بهره‌مندی از بیمه درمانی	اسکان یافته	بله	۴۹
	اسکان نیافته	خیر	۶۸
بهره‌مندی از آب آشامیدنی سالم	اسکان یافته	بله	۲۶/۲
	اسکان نیافته	خیر	۷۳/۸
بهره‌مندی از حمام	اسکان یافته	بله	۵۴/۲
	اسکان نیافته	خیر	۴۵/۸
بهره‌مندی از کشتارگاه صنعتی	اسکان یافته	بله	۴۸/۶
	اسکان نیافته	خیر	۵۱/۴
بهره‌مندی از غسالخانه	اسکان یافته	بله	۹۶/۱
	اسکان نیافته	خیر	۳/۹
بهره‌مندی از دامپزشکی	اسکان یافته	بله	۶/۵
	اسکان نیافته	خیر	۹۳/۵
بهره‌مندی از خدمات بهداشتی	اسکان یافته	بله	۱۴/۴
	اسکان نیافته	خیر	۸۵/۶
بهره‌مندی از خدمات بهداشتی	اسکان یافته	بله	۱۲/۱
	اسکان نیافته	خیر	۸۷/۹
بهره‌مندی از خدمات بهداشتی	اسکان یافته	بله	۵/۲
	اسکان نیافته	خیر	۹۴/۸
بهره‌مندی از خدمات بهداشتی	اسکان یافته	بله	۳/۷
	اسکان نیافته	خیر	۹۶/۳
بهره‌مندی از خدمات بهداشتی	اسکان یافته	بله	۰
	اسکان نیافته	خیر	۱۰۰
بهره‌مندی از خدمات بهداشتی	اسکان یافته	بله	۰
	اسکان نیافته	خیر	۱۰۷
بهره‌مندی از خدمات بهداشتی	اسکان یافته	بله	۲
	اسکان نیافته	خیر	۹۸

۶۶	۱۰۱	خیر	اسکان نیافته	مسجد
۲۹	۳۱	بله		
۷۱	۷۶	خیر	اسکان یافته	اماکن ورزشی
۵/۲	۸	بله		
۹۴/۸	۱۴۵	خیر	اسکان نیافته	شورای اسلامی
۳/۷	۴	بله		
۹۶/۳	۱۰۳	خیر	اسکان یافته	بسیج
۲/۶	۴	بله		
۹۷/۴	۱۴۹	خیر	اسکان نیافته	پاسگاه
۱/۹	۲	بله		
۹۸/۱	۱۰۵	خیر	اسکان یافته	
۸۸/۹	۱۳۶	بله		
۱۱/۱	۱۷	خیر	اسکان نیافته	
۸۷/۹	۹۴	بله		
۱۲/۱	۱۳	خیر	اسکان یافته	
۱۰۰	۱۵۳	بله		
۰	۰	خیر	اسکان نیافته	
۹۹/۱	۱۰۶	بله		
۰	۱	خیر		

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

۲/۸	۳	بله	اسکان نیافته	بهره‌مندی از راه ارتباطی مناسب
۹۷/۲	۱۰۴	خیر		
۶۸/۶	۱۰۵	بله	اسکان یافته	بهره‌مندی از وسایل حمل و نقل
۳۱/۴	۴۸	خیر		
۱۵	۱۶	بله	اسکان نیافته	مرکز مخابرات و پست
۸۵	۹۱	خیر		
۷۱/۹	۱۱۰	بله	اسکان یافته	دسترسی به رسانه جمعی
۲۸/۱	۴۳	خیر		
۲۱/۵	۲۳	بله	اسکان نیافته	دسترسی به انرژی پاک
۷۵/۵	۸۴	خیر		
۷۳/۹	۱۱۳	بله	اسکان یافته	دسترسی به مکان عرضه سوخت
۲۶/۱	۴۰	خیر		
۸/۴	۹	بله	اسکان نیافته	اسکان یافته
۹۱/۶	۹۸	خیر		
۸۵	۱۳۰	بله	اسکان یافته	
۱۵	۲۳	خیر		
۸۶/۹	۹۳	بله	اسکان نیافته	
۱۳/۱	۱۴	خیر		
۲۴/۲	۳۷	بله	اسکان یافته	
۷۵/۸	۱۱۶	خیر		
۲۱/۵	۲۳	بله	اسکان نیافته	
۷۸/۵	۸۴	خیر		
۳۵/۹	۵۵	بله	اسکان یافته	
۶۴/۱	۹۸	خیر		
۲۷/۱	۲۹	بله	اسکان نیافته	
۷۲/۹	۷۸	خیر		
۳۴	۵۲	بله	اسکان یافته	

نتایج استنباطی

همچنان که قبلاً ذکر گردید در این پژوهش با توجه به ماهیت فرضیه‌ها و عدم نرمال بودن داده‌ها، جهت بررسی و آزمون فرضیه‌ها از آزمون مان-ویتنی^۱ که یک آزمون نا پارامتریک است استفاده شده است.

با توجه به جدول ۹ می‌توان چنین بیان نمود که از تعداد ۲۶۰ پاسخگو، تعداد ۱۵۳ نفر از عشایر اسکان یافته می‌باشند که با توجه به شاخص‌های تعریف شده در بعد اقتصادی، میانگین آن برابر ۱۲۹/۶۶ و در مقابل از تعداد ۱۰۷ نفر از عشایر اسکان نیافته، میانگین برابر ۱۳۱/۶۸ است که با توجه به سطح معناداری ۰/۷۳۹ در سطح اطمینان ۹۵ درصد به دلیل اینکه سطح معناداری بزرگ‌تر از پنج درصد است؛ فرض اول مبنی بر ادعای عدم تساوی میانگین

اقتصادی در بین دو جامعه عشایر اسکان یافته و اسکان نیافته رد می‌شود و می‌توان این‌گونه بیان نمود که تفاوت زیادی بین میانگین اقتصادی دو جامعه وجود ندارد. به عبارت دیگر وضعیت عشایر اسکان یافته به لحاظ شاخص‌های اقتصادی با عشایر اسکان نیافته تقریباً یکسان است و تفاوتی بین این دو گروه مشاهده نمی‌گردد.

جدول- ۹: بررسی آزمون یومان ویتنی در کل شاخص‌های اقتصادی

گروه	تعداد	میانگین درجه‌ها	جمع درجه‌ها	سطح معناداری
اسکان یافته	۱۵۳	۱۲۹/۶۶	۱۹۷۰۹	۰/۷۳۹
اسکان نیافته	۱۰۷	۱۳۱/۶۸	۱۴۲۲۱	
کل	۲۶۰			

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

لذا فرض اول تحقیق رد می‌شود. زیرا از لحاظ اقتصادی هر دو جامعه وضعیت تقریباً مشابهی دارند.

- تحلیل مؤلفه‌های شاخص اقتصادی

درآمد: با توجه به سطح معناداری ($\text{sig}=.689$) و به دلیل این‌که بزرگ‌تر از ۵٪ است می‌توان این‌گونه بیان نمود که در سطح اطمینان ۹۵٪ فرض عدم برابری میانگین درآمد بین دو جامعه اسکان یافته و نیافته را رد کرد. مالکیت: با توجه به بزرگ‌تر بودن سطح معناداری ($\text{sig}=.997$) از ۵٪ می‌توان فرض عدم برابری میانگین مالکیت بین دو جامعه عشایر اسکان یافته و اسکان نیافته را رد کرد و می‌توان این برداشت را از برابری و نزدیک بودن میانگین دو جامعه نیز به وضوح مشاهده نمود.

اشتغال: در بعد اشتغال نیز با توجه به بزرگ‌تر بودن سطح معناداری ($\text{sig}=.483$) از ۵٪ می‌توان فرض عدم برابری میانگین دو جامعه را رد کرد و همان‌طور که از میانگین دو جامعه می‌توان برداشت نمود میانگین دو جامعه در میزان اشتغال نزدیک به یکدیگر می‌باشند.

میزان تولید: با توجه به اینکه سطح معناداری ($\text{sig}=.749$) بزرگ‌تر از ۵٪ است با سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان فرض عدم برابری میانگین دو جامعه اسکان یافته و اسکان نیافته در میزان تولید را رد کرد.

جدول- ۱۰: بررسی آزمون یومان ویتنی به صورت مجزا در شاخص‌های اقتصادی

شاخص	گروه	تعداد	میانگین	جمع	سطح معناداری
درآمد	اسکان یافته	۱۵۳	۱۲۸/۱۸	۱۹۷۶۴	۰/۶۸۹
	اسکان نیافته	۱۰۷	۱۳۲/۳۹	۱۴۱۶۶	
مالکیت	اسکان یافته	۱۵۳	۱۳۰/۴۹	۱۹۹۶۵	۰/۹۹۷
	اسکان نیافته	۱۰۷	۱۳۰/۵۱	۱۳۹۶۵	

۰/۴۸۳	۱۹۶۱۵	۱۲۰/۲۰	۱۵۳	اسکان یافته	اشتغال
	۱۴۳۱۵	۱۳۳/۷۹	۱۰۷	اسکان نیافته	
۰/۷۴۹	۱۹۸۲۵/۵۰	۱۲۹/۵۸	۱۵۳	اسکان یافته	تولید
	۱۴۱۰۴/۵۰	۱۳۱/۸۲	۱۰۷	اسکان نیافته	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

در زمینه شاخص‌های اجتماعی دو گروه اسکان‌یافته و اسکان نیافته نیز با توجه به اطلاعات به دست آمده که پس از تحلیل داده‌ها به وسیله آزمون مان ویتنی انجام شده است می‌توان چنین بیان نمود که میانگین اجتماعی نمونه عشایر اسکان‌یافته برابر است با ۱۷۲,۳۰ ولی جامعه اسکان نیافته با میانگین ۶۲/۳۸، تفاوت بسیار زیادی با یکدیگر دارند که جدول ۱۱ این تفاوت را به خوبی نشان می‌دهد. با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از پنج صدم است در سطح اطمینان ۹۵٪، فرض فوق مبنی بر عدم تساوی میانگین اجتماعی بین دو جامعه اسکان‌یافته و اسکان نیافته تأیید می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان گفت که وضعیت عشایر اسکان‌یافته به لحاظ شاخص‌های اجتماعی به مراتب بهتر از عشایر اسکان نیافته است و تفاوت معناداری در بین دو گروه وجود دارد.

جدول - ۱۱: بررسی آزمون یومان ویتنی در مجموع شاخص‌های اجتماعی

گروه	تعداد	میانگین درجه‌ها	جمع درجه‌ها	سطح معناداری
اسکان یافته	۱۵۳	۱۷۲/۳۰	۲۵۳۲۸	۰/۰۰
اسکان نیافته	۱۰۷	۶۲/۳۸	۶۵۵۰	
کل	۲۶۰			

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

- تحلیل مؤلفه‌های شاخص اجتماعی

مشارکت: با توجه به مقدار میانگین مربوط به مشارکت در دو جامعه اسکان‌یافته و اسکان نیافته، مقدار تفاوت میانگین را می‌توان به وضوح مشاهده نمود که ادعای ما را مقدار سطح معناداری ($sig=0$) معنا می‌بخشد و به دلیل اینکه کوچک‌تر از ۵٪ است می‌توان گفت تفاوت معناداری بین دو گروه وجود دارد.

بهداشت و درمان: در شاخص بهداشت و درمان نیز با توجه به مقدار سطح معناداری ($sig=0$) که کوچک‌تر از ۵٪ است می‌توان بیان نمود که بین میانگین دو جامعه از لحاظ امکانات بهداشتی تفاوت وجود دارد.

آموزش و پرورش: با توجه به سطح معناداری ($\text{sig}=0.000$) که کوچک‌تر از ۰.۵٪ است می‌توان فرض عدم برابری میانگین دو جامعه را تأیید کرد.

امنیت: در بعد امنیت اجتماعی نیز با توجه به سطح معناداری ($\text{sig}=0.000$) که کوچک‌تر از ۰.۵٪ است فرض عدم برابری میانگین دو جامعه تأیید می‌شود (جدول ۱۲).

جدول- ۱۲: بررسی آزمون یومان ویتنی در مؤلفه‌های اجتماعی

شاخص	گروه	تعداد	میانگین	جمع	سطح معناداری
مشارکت	اسکان یافته	۱۵۳	۱۵۳/۲۰	۲۳۴۴۰	۰/۰۰
	اسکان یافته	۱۰۷	۹۸/۰۴	۱۰۴۹۰	
بهداشتی و درمانی	اسکان یافته	۱۵۳	۱۷۵/۲۶	۲۶۸۱۴/۵۰	۰/۰۰
	اسکان یافته	۱۰۷	۶۶/۵۰	۷۱۱۵/۵۰	
آموزش و پرورش	اسکان یافته	۱۵۳	۱۷۷/۰۱	۲۷۰۸۲	۰/۰۰
	اسکان یافته	۱۰۷	۶۴	۶۸۴۸	
امنیت اجتماعی	اسکان یافته	۱۵۳	۱۷۷/۴۵	۲۷۱۴۹/۵۰	۰/۰۰
	اسکان یافته	۱۰۷	۶۳/۳۷	۶۷۸۰/۵۰	

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

یافته‌ها، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

جامعه عشایری که پس از جامعه شهری و روستایی جامعه سوم کشور می‌باشند به لحاظ تولیدات دامی و کشاورزی اعم از تأمین مواد غذایی و مواد خام برخی صنایع و از نگاهی دیگر بحث توسعه پایدار کل جامعه درخور اهمیت می‌باشند؛ لذا از یک سو سازمان‌دهی و ساماندهی ساختار اقتصادی و اجتماعی و فراهم آوردن زمینه بهره‌مندی از حداقل امکانات رفاهی و بهبود زیست این جامعه از طریق گسترش خدمات تولیدی، رفاهی، اجتماعی و زیربنایی و از سوی دیگر شناخت جامعی از شرایط زندگی آن‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است.

امروزه رویکردها به سمتی گرایش یافته که زندگی عشایری دیگر نمی‌تواند با شرایط قرون گذشته تداوم یابد. اندیشه‌های نوسازی، رفع نیازهای اساسی و توسعه پایدار نیز به‌مرور بر این ادعا تأکید دارند. بدین ترتیب تدابیر لازم برای زندگی مطلوب‌تر آنان باید اتخاذ گردد. در این میان سیاست اسکان معمولاً به‌عنوان بهترین راه‌حل که می‌تواند نیازها و ضرورت‌ها را مورد توجه قرار دهد، مطرح می‌گردد. با این وجود بررسی، مطالعه و انجام پژوهش‌های علمی و کاربردی در خصوص مقایسه شرایط دو گروه اسکان یافته و اسکان نیافته جهت تشخیص نقاط قوت و ضعف و همچنین میزان موفقیت طرح در توسعه ابعاد اقتصادی و اجتماعی اسکان یافته‌ها جهت تداوم و یا بازنگری در این سیاست‌ها ضرورت دارد. لذا در این پژوهش که از نوع پژوهش‌های توصیفی تحلیلی و با رویکرد پیمایشی در سطح شهرستان کوه‌رنگ بوده است، به این مهم پرداخته شد.

با توجه به نتایج تجزیه و تحلیل انجام گرفته، مشخص گردید جامعه عشایر اسکان‌یافته و اسکان نیافته در منطقه مورد مطالعه در زمینه شاخص‌های اقتصادی نظیر درآمد، مالکیت، تولید و اشتغال تفاوت چندانی ندارند. این امر به دلیل آن است که در زمان اسکان گروه‌های عشایری کوچ رو در مناطق مورد مطالعه امکان اشتغال تولید محور و درآمد پایدار برای آنان ایجاد نشده و به همین علت وضعیت اقتصادی‌شان تقریباً یکسان با اسکان نیافته‌هاست.

در زمینه شاخص‌های اجتماعی این تفاوت مشهود است. دلیل این امر از آن جهت است که گروه اسکان‌یافته، نه تنها در برخورداری از خدمات و امکانات شرایط بهتری را دارا بوده‌اند بلکه به علت قرارگیری در مجاورت شهرها و روستاها، آن‌ها را ملزم به پذیرفتن بسیاری از تغییرات اجتماعی نموده است.

در مجموع در بیان یافته‌های کلی پژوهش می‌توان چنین بیان داشت که بین عشایر اسکان‌یافته و اسکان نیافته به لحاظ شاخص‌های اقتصادی تفاوت معناداری وجود ندارد؛ اما در شاخص‌های اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه اول پژوهش رد شده و فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود.

آنچه از نتایج و یافته‌ها قابل توجه است اینکه اسکان بر زندگی و شرایط اقتصادی و اجتماعی عشایر تأثیر دارد. در برخی پژوهش‌ها تأیید گردید که در هر دو بعد اقتصادی و اجتماعی تأثیر مثبت داشته است (شاطریان و همکاران، ۱۳۸۱)؛ برخی نیز بر اثرات منفی در بعد اقتصادی و یا اجتماعی اسکان‌یافته‌ها اشاره دارند (عبدالهی، ۱۳۸۶. حاجتی، ۱۳۷۱. لارسن و همکاران ۲۰۰۳. واسا، ۲۰۰۱ و ...)، اما غالب پژوهش‌ها تأثیر مثبت بر بعد اجتماعی و منفی (یا بدون تأثیر) بر بعد اقتصادی را بیان می‌دارند (ریاحی، ۱۳۹۲. رضوانی و دریکوند، ۱۳۸۶. باقری، ۱۳۸۲، هوگالی، ۲۰۰۱ و ...) که نتایج این گروه از محققان با نتایج پژوهش حاضر نزدیکی و هماهنگی بیشتری دارد.

پیشنهادها

- با توجه به عدم تأثیر مثبت اسکان بر اقتصاد عشایر و تداوم شرایط قبل از اسکان، تنوع بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی در جامعه عشایری اسکان‌یافته با بهره‌گیری از امکانات، قابلیت‌ها و استعدادها مناطق عشایری به منظور ایجاد، بهبود و توسعه اشتغال، درآمد پایدار و کمک به نگهداشت جمعیت در زیست‌بوم‌ها پیشنهاد می‌شود.

- به منظور ارتقاء سطح شاخص‌های فرهنگی در بین عشایر کوچ رو، افزایش یا بهبود شرایط خدمات‌رسانی در زمینه‌های مختلف آموزشی، بهداشتی، درمانی، ارتباطی و ... بر اساس شرایط محلی و با کاربرد شیوه‌های سیار.

- توسعه آموزش رسمی و غیررسمی شامل آموزش‌های فنی، مهارتی و ترویجی متناسب با نیازهای جامعه عشایری اسکان‌یافته و اسکان نیافته، در راستای تقویت وضعیت اقتصادی.

- تقویت جنبه‌های گردشگری جامعه عشایری با توجه به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و تلاش برای نهادینه کردن و بهره‌برداری مطلوب از آن‌ها.

- انجام تحقیقات و بهره‌گیری از یافته‌های علمی و مطالعه مناطق مستعد در عرصه زیست‌بوم‌های عشایری به‌منظور حمایت از اسکان عشایر داوطلب و سامان‌دهی کوچ متناسب با شرایط بومی و محلی.
- آموزش و پرورش که پایه اصلی شاخص اجتماعی است به‌طور جدی تری باید مدنظر سیاست‌گذاران جهت مناطق عشایری اسکان نیافته قرار گیرد. همچنین توسعه پوشش نهادهای حمایتی بیمه‌های اجتماعی و خدمات‌رسانی بهتر در جامعه عشایری اسکان نیافته پیشنهاد می‌شود.

منابع

- ۱- ابراهیم پور، محسن، (۱۳۷۸)، تحلیل وضعیت توسعه‌ای مناطق عشایری کشور، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، سازمان امور عشایر ایران. شماره ۲.
- ۲- اداره کل امور عشایر استان چهارمحال و بختیاری، (۱۳۹۰)، مطالعات ارزیابی برنامه ساماندهی اسکان عشایر در **کانون‌های توسعه**، مهندسین مشاور شرق آیند، شهرکرد.
- ۳- آقا محمدی، مهدی و شرفی، حسین، (۱۳۹۰)، **تحلیلی بر پراکندگی جغرافیایی ایلات و عشایر استان همدان**. قومنس، ۱۴۴.
- ۴- امان‌اللهی، سکندر، (۱۳۶۷)، **کوچ‌نشینی در ایران**، ویراست دوم، ج ۸، انتشارات آگاه، تهران، ۳۱۰.
- ۵- باقری، خدایار، (۱۳۸۲)، **تعیین آثار اسکان بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی عشایر اسکان‌یافته در روستای عشایری کوله جاز شوشتر**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه صنعتی اصفهان. استاد راهنما: احمد خاتون‌آبادی. اصفهان.
- ۶- بخشنده نصرت، عباس. میراج، فرحناز، (۱۳۹۰)، **جامعه و منطقه بندی جمعیت عشایر کوچنده ایران**، نشر نصرت، تهران ۲۴۲.
- ۷- توکلی، جعفر و ضیاءتوانا، محمدحسن، (۱۳۸۸)، **پیامدهای فضایی اسکان عشایر در استان چهارمحال و بختیاری**، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، ش ۱. صص ۵۳-۸۶.
- ۸- توکلی، جعفر، (۱۳۸۳)، **مروری بر نظریات و تجارب موجود در زمینه اسکان عشایر**، مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، سازمان امور عشایر ایران، تهران، ۵۴.
- ۹- حاجتی، مهدی، (۱۳۷۱)، **گزینه ترکیبی رمه گردانی و اسکان بهترین استراتژی توسعه زندگی عشایر**، فصلنامه ذخائر انقلاب، ش ۱۹.
- ۱۰- حسینی ابری، سید حسن، (۱۳۷۳)، **مروری بر منطقه کوه‌رنگ در رابطه با اسکان عشایر**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، صص ۶۲-۷۵.
- ۱۱- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۲)، **فرهنگ لغت دهخدا**. تهران.

- ۱۲- رضایی، پژمان، (۱۳۹۱)، ارزیابی برنامه ساماندهی عشایر در کانون‌های توسعه، فصلنامه ذخایر انقلاب، ش ۵۷، صص ۴۰-۹.
- ۱۳- رضوانی محمدرضا، دریکوند، مسلم، (۱۳۸۶)، بررسی و ارزیابی کانون‌های ساماندهی و اسکان عشایر مطالعه موردی: کانون کمری، شهرستان ازنا، مجله جهاد، ش ۲۷۹، صص ۱۵۱-۱۳۳.
- ۱۴- ریاحی، وحید؛ احمدی، راشد. عزمی، آئیژ، (۱۳۹۲)، بررسی نقش طرح‌های اسکان در توسعه اقتصادی و اجتماعی عشایر، مطالعه موردی (کانون‌های اسکان استان کهگیلویه و بویراحمد)، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی. ش ۲۸، صص ۹۵-۱۱۲.
- ۱۵- سازمان امور عشایر ایران، (۱۳۹۱)، آئین‌نامه ساماندهی عشایر ایران، انتشارات آیندگان با همکاری سازمان امور عشایر ایران، ۳۲.
- ۱۶- شاطریان، محسن، گنجی پور، محمود و اشنویی، امیر، (۱۳۹۰)، تبیین پیامدهای فضایی احداث شهرک‌های عشایری برای روستاهای پیرامونی، مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان کوه‌رنگ، فصلنامه روستا و توسعه، ش ۳، صص ۱۳۳-۱۵۰.
- ۱۷- صادقی بازرگانی، همایون؛ عرشی، شهنام؛ مرتضی زاده، علی‌اکبر؛ بشیری، جعفر؛ امینی نانی، نیره؛ سزاوار، سیدهاشم؛ عدالتخواه، حسن؛ سیف نژاد، شهرام؛ روحی، علی و شهلا زاده، هاله، (۱۳۸۴)، مطالعه وضعیت شاخص‌های بهداشت و سلامت در عشایر استان اردبیل، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، دوره پنجم، شماره ۲، صص ۱۵۹-۱۵۰.
- ۱۸- صالحی، اصغر، (۱۳۸۳)، بررسی تطبیقی طرح ساماندهی عشایر در دو کانون گل‌افشان و چشمه رحمان، گزارش نهایی طرح پژوهشی، مرکز تحقیقات کشاورزی استان اصفهان.
- ۱۹- صیدایی، اسکندر، دهقانی، امین، (۱۳۹۰)، برنامه‌ریزی زیست‌بوم‌های عشایری، انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان، اصفهان، ۱۳۶.
- ۲۰- صیدایی، سیداسکندر، (۱۳۷۷)، توسعه پایدار جامعه عشایری ایران در آینده (چهارچوب نظری، استراتژی‌های توسعه)، نشریه میان رشته‌ای دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)، ش ۱۳ و ۱۴، صص ۱۰۰-۸۳.
- ۲۱- صیدایی، سید اسکندر، (۱۳۸۶)، توسعه پایدار جامعه عشایری ایران، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ۱۴۶.
- ۲۲- عاشقی، منصور، (۱۳۸۴)، نگرشی پیرامون وضعیت عشایر و نقش و جایگاه آن‌ها در ایجاد هویت ملی و امنیت ملی. فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد خلیخال، پیش شماره ۵، صص ۱۷۰-۱۵۱.
- ۲۳- عبداللهی، محمد، (۱۳۸۶)، اسکان عشایر و توسعه و بهبود حیات اجتماعی آنان در ایران (مطالعه موردی: طایفه وری علی نظر در استان ایلام)، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۲، صص ۵۳-۱۹.
- ۲۴- عمادی، محمدحسین، (۱۳۸۴)، آینده عشایر در فرایند برنامه‌ریزی توسعه ملی، مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، جلد اول، نقش بیان، تهران.

- ۲۵- کفیل زاده، فرخ. اسمعیلی زاده، علی. سیدان، مهدی، (۱۳۸۱)، اقتصاد تولید بخش دامداری عشایر کوچنده و اسکان یافته، مطالعه موردی، ایل کرد، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، ش ۳۸، صص ۲۲۳-۲۰۱.
- ۲۶- محمد پور، احمد و احمدی، نگار، (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر روش‌ها و سیاست‌های توسعه و ساماندهی عشایر کشور از دیدگاه توسعه انسانی، توسعه پایدار و انسان‌شناسی توسعه؛ ارائه یک مدل ترکیبی و کاربردی، مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، نقش بیان، تهران.
- ۲۷- مشیری، سید رحیم، (۱۳۸۷)، جغرافیای کوچ‌نشینی، انتشارات سمت، تهران، ۲۴۷.
- ۲۸- معین، محمد، (۱۳۶۴)، فرهنگ فارسی معین، انتشارات سپهر، تهران.
- ۲۹- منصور، مسعود، (۱۳۸۱)، بررسی مقایسه‌ای زمینه‌های اقتصادی تولید در گروه‌های عشایری و گرایش آنان به تغییر و تحول در شیوه تولید عشایری، مطالعه موردی: ایل جلالی-شمالغرب کشور. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ش ۱ ص ۶۰-۷۲.
- ۳۰- مهدوی، مسعود. رضایی، پژمان. قدیری معصوم، مجتبی، (۱۳۸۶)، روستاهای برآمده از اسکان عشایر و چالش‌های آن؛ فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۱. صص ۶۱-۴۱.
- ۳۱- میر فردی، اصغر و امان‌اللهی بهاروند، سکندر، (۱۳۸۳)، فرایند نوسازی و دگرگونی در ساخت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایلات مطالعه موردی: ایلات ممسنی (۱۳۰۰-۱۳۷۸)، مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، تهران: نقش بیان.
- ۳۲- نیک خلق، علی‌اکبر. نوری، عسگری، (۱۳۹۱)، زمینه جامعه‌شناسی عشایر ایران، چاپ چهاردهم، ۱۷۶.
- 33-Khogali, Mustafa Mohamed, (2001), **Nomads and Their Sedentarization in Sudan**. Khartoum: University of Khartoum, Department of Geography.
- 34-Larsen, K. et al. (2003), “**Sedentarization of nomadic people: the case of the Hawawir in Um Jawasir Northern Sudan**”. Dry Lands Coordination Group, Report No24.
- 35-Vassa, S. (2001), “**Sedentarization of pastoral nomads**”. Available on: <http://www.htm.nomads.vassa.net/saloni/>